

کتاب «مسئله‌ی تقصیر» را فریده فرودفر و امیر نصری ترجمه کرده‌اند و نشر چشمه در سال ۱۳۹۳ در مجموعه «تردید» چاپ کرده است.

در ترجمه‌ی کتاب، که براساس متن اصلی آلمانی کتاب صورت گرفته است، در بیشتر موارد اشکالی دیده نمی‌شود چراکه خواننده می‌تواند جملات فارسی را بخواند و بفهمد و با ارتباط برقرار کردن میان جملات، مدعیات اصلی و فرعی یاسپرس را شناسایی کند. مع‌ذلک ذکر چند ملاحظه درباره‌ی ترجمه، با استناد به ترجمه‌ی انگلیسی، ضروری است. در هنگام خواندن چند بخش از کتاب، به دلیل نامفهومی برخی جملات، به ترجمه‌ی انگلیسی کتاب رجوع کردم و متوجه شدم که در متن فارسی، گاه ترجمه‌ی نادرست و گاه ترجمه‌ی نادقیق و گاه فقدان وحدت در ترجمه وجود دارد {تنها بخش‌هایی از متن، و نه کل متن، را با ترجمه‌ی انگلیسی تطبیق دادم}. به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنم:

۱. «این به نوبه‌ی خود بدان معنا نیست که ما برای انجام تبلیغات آزاد بودیم» (۲۱)

‘This again does not mean that we have freedom to engage in propaganda’ (۴).

متناسب با انتخاب واژگان دو مترجم فارسی ترجمه‌ی صحیح بدین قرار است: «... ما برای انجام تبلیغات آزادیم {یا از آزادی برخورداریم}».

۲. «اما عکس این مسئله، در خصوص سخن گفتن با یکدیگر صادق است: اندیشیدن به همه چیز...» (۲۳)

‘Yet this, too, applies to talking with each other: ...’ (۶)

ترجمه‌ی صحیح: «مع‌ذلک، این {یعنی مطالبی که در ادامه می‌آیند} نیز در خصوص سخن گفتن با یکدیگر صادق است: ...»

۳. «ایمان استعلایی مبتنی بر دین یا فلسفه» (۳۳)

‘a transcendently founded religious or philosophical faith’ (۱۵)

ترجمه‌ی صحیح: «ایمان دینی یا فلسفی مبتنی بر استعلا {یا به نحو استعلایی بنا شده}»

۴. «این تقدیر محتوم هر انسانی است که در دام مناسبات قدرت گیر بیفتد؛ مناسباتی که او تحت سایه آنها مجبور است به حیات خود ادامه دهد. تقصیر اجتناب‌ناپذیر همگان، همانا انسان بودن است. این تقصیر با حمایت از قدرتی که امر حق، یعنی حقوق انسان‌ها را تحقق می‌بخشد، جبران می‌شود» (۴۸)

‘This is the inevitable guilt of all, the guilt of human existence’ (۲۸)

ترجمه‌ی صحیح: «این تقصیر اجتناب‌ناپذیر همگان است، تقصیری که مرتبط با وجود انسان است.»

۵. «یا شرایطی در جامعه حاکم است که در آن اکثریت افراد با جامعه {politics} بیگانه‌اند» (۴۹)

۶. «... از حیث درونی به شکل اعمال حق {law enforcement} و از حیث بیرونی به شکل جنگ...» (۵۱)

۷. در صفحه‌ی ۵۷ و ۵۸ «people» به «ملت» برگردانده شده است. در متن انگلیسی در صفحات ۳۴ و ۳۵ هم واژه‌ی «people» به کار رفته است هم واژه‌ی «nation».

۸. «آنچه در پیشگاه خدا معتبر {true} است نزد انسان‌ها صادق {true} نیست» (۵۷)

۹. «nihilistically» در صفحه‌ی ۷۴ «نهیلیستی» ترجمه شده است و در صفحه‌ی ۷۴ «پوچ‌انگارانه».

۱۰. «the all-encompassing» در صفحه‌ی ۷۸ «قادر مطلق» ترجمه شده است. این اصطلاح اصطلاحی فنی در فلسفه‌ی یاسپرس است که عزت‌الله فولادوند در کتاب «زندگینامه فلسفی من» یاسپرس آن را «{ذات} فراگیر» ترجمه کرده و تعاریفی را نیز برای آن از قسمت‌های مختلف کتابهای یاسپرس و شارحان وی آورده است {رجوع شود به کتاب فوق، صفحات ۲۱۳-۲۱۰، نشر هرمس}.

۱۱. «تنها یا این یا آن امر افراطی {a radical 'either-or'} می‌توانست حقیقی باشد» (۸۵).

ترجمه‌ی صحیح: «یا این یا آن» ریشه‌ای.»

۱۲. «... از حیث اخلاقی اجازه نداریم از کسی بخواهیم به نحو نمادین شهید شود. افلاطون این را بدیهی می‌دانست که در دوران فاجعه، یأس و نومیدی خود را پنهان می‌سازد و بقا می‌یابد» (۸۸).

‘no moral law demands a spectacular death. Plato already deemed it a matter of course to go into hiding in desperate times of calamity, and to survive’ (۶۳).

ترجمه‌ی صحیح: «هیچ قانون اخلاقی از ما مرگی شگرف نمی‌طلبد. پیشتر افلاطون پنهان شدن در دوران نومیدی و ناچاری مرتبط با فاجعه و جان سالم به در بردن را امری عادی قلمداد کرد.»

۱۳. «این‌که مردم خودشان را مسئول بدانند، نخستین نشانه از سربرآوردن آزادی سیاسی آنهاست. تنها تا حدی این شناخت وجود دارد و به رسمیت شناخته می‌شود که آزادی به واقع در آنجا وجود داشته باشد و نه صرفاً در حد مدعایی که از بیرون، آن هم از جانب افراد غیرآزاد مطرح می‌شود» (۹۶)

‘It is to the extent of the existence and recognition of this knowledge that freedom is real, not a mere outward claim put forth by unfree men’ (۷۱).

ترجمه‌ی صحیح: «به میزانی که این معرفت {یعنی اینکه مردم خودشان را مسئول بدانند} در کار باشد و بازشناسی شود آزادی از واقعیت برخوردار است...»

۱۴. «self-abasement» در عنوان بخش در صفحه ۱۲۸ «کف‌نفس» ترجمه و بعد در صفحات ۱۲۹ و ۱۳۱ «از خود دست بشوییم» و «دست شستن از خویش» ترجمه شده است.

۱۵. در صفحه‌ی ۱۳۱ «reverence» «حرمت و تکریم» ترجمه شده است. «reverence» در صفحه‌ی ۱۳۲ «پرهیزکاری» ترجمه شده است. معادل آلمانی «Pietät» در پانویس صفحه ۱۳۲ برای «پرهیزکاری» آمده است. به احتمال بسیار زیاد در متن آلمانی هم، مثل ترجمه‌ی انگلیسی، در هر دو مورد یک واژه به کار رفته است. «حرمت و تکریم» معادل مناسب است و منظور یاسپرس را به درستی انتقال می‌دهد. بحث درباره‌ی حرمت نهادن به «واقعیات گذشته» و «تاریخ» است، نه «پرهیزکاری» نسبت به آن!

۱۶. در صفحه‌ی ۱۳۴ خط چهارم «defiant» که پیشتر دو مترجم آن را «لجوج» ترجمه کرده‌اند در اینجا «غرور» ترجمه شده است.

۱۷. «طفره رفتن از {dodging into} چیزهایی که فی‌نفسه درست هستند، اما در بحث از مسئله‌ی تقصیر اهمیت ندارند» (۱۳۴)؛ «گریز به {dodging into} جانب امر کلی». به جای «طفره رفتن از» باید همین معادل «گریز به» به کار رود.

۱۸. «در آنچه به تقصیر مربوط می‌شود، اندیشه‌ها خودشان را بسط می‌دهند تا طریق مقتضی را برای پالایش هموار سازند» (۱۴۳)

‘As for guilt, one way is to think through the thoughts here expounded’ (۱۱۴)

«here» اشاره دارد به مباحث یاسپرس در درسگفتار درباره‌ی «مسئله تقصیر».

ترجمه‌ی صحیح: «درباره‌ی {مسئله‌ی} تقصیر، یک راه این است که با اندیشه‌هایی که در اینجا ارائه و توضیح داده شده است بیندیشیم».

۱۹. «آیا ما با نظر به حال و هوای روحی و لحن کسانی که این‌گونه متهم شده‌اند {these accusers}، احساس خوبی داریم؟» (۱۲۷)

۲۰. «اگر او {we} چنین سرزنش‌هایی را بشنود بیشتر احساس تأسف برای کسانی {other} خواهد داشت که بدون دغدغه و آگاهی هستند. اگر فضایی از اعتماد حاکم باشد، آدم یاد بالفطره خطاکار بودن انسان می‌افتد» (۱۴۴)

‘If an atmosphere of trust prevails, we may remind him of the guilt potentialities in every human being’ (۱۱۵-۱۱۶)

ترجمه صحیح: {دو مترجم فارسی ضمیر «we» را به ضمیر «او» مبدل کردند؛ همچنین «کسان» ترجمه «other» است که در جمله فوق مترجم انگلیسی با ضمیر «him» به آن اشاره می‌کند} «اگر فضایی از اعتماد حاکم باشد، ما چه بسا خطاکاری یا تقصیری که به صورت بالقوه در هر انسانی هست را به یادش آوریم».

۲۱. «اگر انسان به نحو غیرقابل محاسبه‌ای در هدایت وجودش فراتر رود، دیگر مسیر حوادث در دست انسان نیست»

‘The course of events lies not in man’s hand, though man may go incalculably far in guiding his existence’ (۱۱۶)

متناسب با انتخاب واژگان دو مترجم فارسی ترجمه‌ی صحیح بدین قرار است: «مسیر رویدادها در دستان انسان قرار ندارد، اگرچه وی ممکن است تا حد زیادی و به نحو محاسبه‌ناپذیری در هدایت وجودش پیش رود»

۲۲. «اما آنچه پیش از مرگ به نهایی‌ترین وجه حقیقی است، چیزی نیست جز وسوسه‌ای فاجعه‌آمیز، آن هنگام که انسان پیش از موعد خود را به ورطه‌ی خستگی، ناشکیبایی و استیصال دراندازد. زیرا به سر بردن در این وضعیت مرزی هنگامی حقیقی است که {۱۴۵} «... {only if}»

‘But what is true in the face of death, in extremity, turns into a dangerous temptation if fatigue, impatience, despair drive man to plunge into it prematurely...’ (۱۱۷).

متناسب با انتخاب واژگان دو مترجم فارسی ترجمه‌ی صحیح بدین قرار است: «اما آنچه در مواجهه با مرگ به نهایی‌ترین وجه حقیقی است، به وسوسه‌ای خطرناک مبدل می‌شود اگر خستگی، ناشکیبایی و یأس، انسان را پیش از موعد به مرگ دراندازد»

* محمد مصطفی بیات